

ابتکار زمخشری در مقامه نویسی

*دکتر سیمین ولوی

چکیده

پس از آنکه بدیع الزمان همدانی کتاب مقامات خود را نگاشت بسیاری از نویسندگان پس از وی به پیروی از او به نگارش مقامه پرداختند که در همه آنها سبک و سیاق مقامات بدیع الزمان به چشم می خورد. در این میان زمخشری دانشمند برجسته ایرانی از توجه مردم به نثر فنی و مسجع مقامه استفاده می کند و به نگارش کتاب "المقامات" می پردازد و در آن ضمن کاربرد آرایه های گوناگون ادبی در نثری مسجع، گنجینه لغوی و مهارت نویسندگی خویش را به خدمت می گیرد تا به جای تعلیم شیوه های حيله گری و گدایی به تعلیم مکارم اخلاقی و صفات والای انسانی بپردازد.

مقامات زمخشری بر خلاف دیگر مقامات، نه راوی دارد و نه حوادثی در آن به وقوع می پیوندد. این مقامات خالی از هزل و طنز است و اسلوب آن بجای داستان، پند و موعظه است. زمخشری خود به شرح مقاماتش پرداخته است و شیوه مقامه نویسی او در برخی از مقامه نویسان پس از وی تاثیر نهاده است.

واژه های کلیدی : مقامه نویسی، زمخشری، نثر فنی، نثر مصنوع، مقامات

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

سابقه مقامه نویسی پس از بدیع الزمان تا زمخشری

پس از آنکه بدیع الزمان همدانی کتاب مقامات خود را نگاشت بسیاری از نویسندگان پس از وی به پیروی از او به مقامه نویسی روی آوردند و به نگارش مقامه پرداختند که در همه آنها سبک و سیاق مقامات بدیع الزمان به چشم می خورد. ابتدا ابو نصر عبدالعزیز بن عمر، معروف به ابن نباته السعدی (۳۲۷-۴۰۵ ه.ق) شاعر دوره عباسی در دربار سیف الدوله به تقلید از او مقامه نگاشت (کک، ۱۹۷۱ م ص ۱۲۱). پس از وی ابوالقاسم عبدالله بن ناقیا (۴۱۶-۴۸۵ ه.ق) نیز به همان سبک و سیاق بدیع الزمان نه مقامه نوشت. هرچند مقامات او یک قهرمان دارد بنام یشکری ولی راویان این مقامات متعدّدند و داستانهایش همانند داستانهای مقامات بدیع الزمان بر پایه گدایی و حيله گری است و زیبایی لفظی مقامات بدیع الزمان را ندارد (ضیف، المقامه، بی تا، ص ۷۶).

آنگاه حریری (۴۴۶-۵۱۶ ه.ق) که بزرگترین مقامه نویس بعد از بدیع الزمان است، در این راه گام نهاد. وی بعنوان معروفترین مقامه نویس قرن ششم مطرح شد که مقامات او نیز همچون مقامات همدانی داستانهایی است از چرب زبانی شیادی که سعی دارد تا با فریب مردم از آنها گدایی کند.

او ضمن آنکه توانست فوت و فن کار بدیع الزمان را به دقت دریابد و اقتباس کند از جهاتی نیز مقامه را تکامل بخشید، به حدی که دیگر کسی نتوانست فن مقامه را در این چارچوب معین از حریری درگذراند یا حتی به سطح او برساند. از همین لحاظ مقامات حریری در زمان خود او بیش از هفتصد بار نسخه برداری شده، و طی قرنهای ادیبان شروح متعدّد بر آن نگاشته اند (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۶).

در همین دوره زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ ه.ق) که شاهد اقبال مردم به نثر فنی بود سعی کرد از این نوع نثر مسجع و مصنوع بهره گیرد و با تألیف کتاب المقامات شیوه نوینی را در مقامه نویسی عرضه کند و جای به تصویر کشیدن ضعف و خواری شخصیت مقامه در برابر خلق؛ خواننده را به تواضع در برابر حق تعالی و عبادت و بندگی او دعوت نماید.

زمخشری و آثارش

ابو القاسم محمود بن عمر بن احمد زمخشری ملقب به جارالله از دانشمندان برجسته ایرانی است. که به نقل اغلب مورخان در سال (۴۶۷ ه.ق) در زمخشر (از نواحی خوارزم) به دنیا آمد و چون مدتی مجاور بیت الله الحرام شد به جارالله ملقب شد. (یاقوت، ۱۹۹۳ م، ۲۶۸۸/۱، حوفی ۱۹۶۶ م، ص ۳۵)

وی به مذهب معتزلی گرایش داشت و این را در تفسیرش بطور آشکار بیان کرده و با مخالفان به مناظره برخاسته است. تاریخ نویسان وفات وی را شب عرفه سال ۵۳۸ هجری قمری ضبط نموده اند. (ابن خلکان، ۱۹۹۴ م، ۵/۱۷۰؛ قفطی، ۱۹۸۶ م، ۲۶۵/۳)

زمخشری در تفسیر و نحو و لغت و ادب سمت پیشوایی داشت و در علوم مختلف صاحب فضل و برتری بود. وی پیرامون هر یک از آنها آثار سودمندی تألیف نموده و به یادگار گذاشته است (نک، داوودی، بی تا، ۳۱۵/۲؛ حوفی، ۱۹۶۶ م، ص ۵۶)

انگیزه نگارش "المقامات"

زمخشری در خواب سحرگاهی ندایی می شنود که: "یا ابا القاسم اجل مکتوب، وامل مکذوب"، "ای ابو القاسم مرگی است حتمی و آرزویی است دروغین" از خواب می پرد و کلماتی پند آمیز به همان سبک و سیاق می نگارد. در ماه رجب سال ۵۱۲هـ به بیماری سختی مبتلا می گردد که خود آنرا منذره (بیم دهنده) می نامد و عهد میکند که اگر خداوند بر وی منت نهد و جامه تندرستی و عافیت بر او بیوشاند دیگر به درگاه هیچ پادشاهی گام نهد و خدمت سلاطین نکند، برای آنان شعر نسراید و از پذیرفتن عطایای آنان چشم پوشد، نامش از دیوان حذف کند و به اندک قناعت ورزد؛ به ریسمان الهی بیاویزد و به توبه پردازد. لذا پس از آنکه شفا می یابد مقامات را می نگارد. (زمخشری، المقامات، خطبه الكتاب ص ۲)

تعداد؛ موضوع و وجه تسمیه مقامات زمخشری

تعداد مقامات زمخشری همچون مقامات همدانی پنجاه مقامه است که هر یک عنوانی جدا گانه دارد و موضوع همه آنها پندوانداز و ارشاد نفس است. و از آنجا که آنها را بر پایه توجه دادن نفس به مکارم اخلاقی نگاشته است نامگذاری آنها نیز بر همین اساس است همچون مقامه المرشد (راههای رستگاری)، مقامه التقوی، مقامه الرضوان (رضایت الهی)، مقامه الارعواء (بازگشت)، مقامه الزاد (توشه)، مقامه الزهد، مقامه التسليم، مقامه الطاعة، مقامه الاستقامه، مقامه العفة، مقامه الشکر، مقامه الصمت، مقامه الخشیه، مقامه اجتناب الظلمه و... اما نامگذاری پنج مقامه آخر متفاوت است. نامگذاری مقامه النحو، مقامه العروض، مقامه القوافی، مقامه الديوان بر اساس نام علمی است که اصطلاحاتش در آنها بکار رفته است. و نام مقامه ایام العرب نیز بدلیل کاربرد اسامی جنگاوران و وقایع جنگهای دوره جاهلی در مقامه است.

شیوه ابتکاری زمخشری در کتاب "المقامات"

زمخشری نثر مسجع و فنی مقامات و گنجینه لغوی خویش را بکار می گیرد تا به ارشاد بپردازد و به جای تعلیم راههای گدایی و حيله گری می کوشد نفس را از فریب باز دارد و از دنیا پرستی و ارهاند از اینرو پنجاه مقامه او در واقع مقامه به معنای اصطلاحی نیست بلکه صرفا پند و موعظه است که در آن با استفاده از صنایع بدیعی و آرایه های گوناگون بلاغی، خود را مورد خطاب قرار داده است. ابتکار او شامل موارد زیر است:

۱- این مقامات نه راوی دارد و نه حوادثی در آن به وقوع می پیوندد و در آن خبری از هزل و طنز نیست.

در حالی که مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری هر کدام یک راوی و یک قهرمان دارد و سراسر هزل و طنز است. مقامات ابن ناقیا نیز طنز است که راویان متعدد ولی یک قهرمان دارد (ذکاوته قراگزلو، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۴)

- ۲- همه آنها بجز مقامه دهم (مقامه التسليم)، با عبارت "يا ابا القاسم" آغاز می شود که با آن خود را مورد خطاب قرار داده و از دنیا پرستی نهی کرده است. اما مقامات مقامه نویسان پیش از وی همگی داستان است و بنا به ماجرای داستانها آغاز آنها متفاوت است
- ۳- اسلوب مقامات از قصه و داستان به موعظه تغییر یافته است هر چند که او نیز در این مقامات از قدرت تاثیر شعر بهره گرفته است و در برخی از آنها ابیاتی نیز سروده است.
- ۴- موعظه های مقامات زمخشری بر خلاف موعظه های مقامات قبلی از جمله بدیع الزمان، وحریری کاملا جدی است
- ۵- هدف زمخشری از موعظه هایش حقیقتا ارشاد مردم است در حالی که اندرزه های مقامات پیش از آن همچون مقامات بدیع الزمان و حریری که از زبان پهلوان مقامات است، ابزار شیادی قهرمان داستان جهت فریب مردم است
- ۶- موضوعات مقامات زمخشری درباره توجه به حق تعالی و آخرت اندیشی و تزکیه نفس است در حالیکه مقامات پیشین همچون مقامات همدانی و ابن ناقیا و حریری اغلب به نوعی توجه به دنیا پرستی و کسب مال از راه فریبکاری و گدایی است
- ۷- برخلاف دیگر مقامات، به جای به تصویر کشیدن ضعف و خواری شخصیت مقامه در برابر خلق، خواننده را به تواضع در برابر حق تعالی و عبادت و بندگی او دعوت می کند.
- ۸- در پنج مقامه انتهایی یعنی مقامه النحو، مقامه العروض، مقامه القوافی، مقامه الديوان و مقامه ايام العرب ضمن اینکه بسیار زیبا از اصطلاحات این علوم به شیوه لغز استفاده می کند و تبحر خود در این علوم نشان می دهد خواننده را به نیکو کاری دعوت می کند و در واقع او را متذکر می سازد که هدف اصلی خود را از فراگیری این علوم و معارف فراموش نکند.
- به عنوان مثال در بخشی از مقامه نحو چنین نگاشته است: يا ابا القاسم أعجزت أن تكونَ مثلَ همزةِ الاستفهامِ إذ أخذتْ على ضعفها صدرَ الكلامِ، لئيتك أشبهتها متقدماً في الخيرِ مع المتقدِّمين، ولم تُشبهْ في تأخرِكَ حرفَ التانيثِ والتنوينِ... ضارع الأبرارَ بعملِ التَّوَابِ الأوابِ. فالفعلُ لمضارعته الاسمُ فازَ بالإعرابِ.) زمخشری، المقامات، ص ۳۷
- ای ابوالقاسم آیا از اینکه همچون همزه استفهام باشی ناتوانی؟ که علیرغم ضعف و ناتوانیش در صدر جمله واقع میشود، ای کاش همانند آن در انجام کارهای خیر با دیگر پیشکسوتان عرصه نیکوکاری پیشقدم بودی آنگونه که همزه استفهام متقدم است و در تأخر مانند حرف تانیث و تنوین نبودی... با توبه و بازگشت شبیه نیکوکاران شو که فعل مضارع به سبب تشابهش با اسم توانسته است اعراب بگیرد .
- و در مقامه العروض اصطلاحات این علم را ذکر می کند. در قسمتی از مقامه العروض چنین آمده است :
- يا ابا القاسم لن تبُلغَ أسبابَ الهدى بمعرفةِ الأسبابِ والأوتادِ، أو يبُلغَ أسبابَ السمواتِ فرعونُ ذو الأوتادِ. إن الهدى في عروضِ سويِ علمِ العروضِ. في العِلْمِ والعملِ بالسَّنَنِ والفُرُوضِ. ما أَحوجَ مِثْلَكَ إلى الشُّغْلِ بتعديلِ أفاعيله عن تعديلِ وَزَنِ الشُّعْرِ بتفاعيله. مَنْ تَعَرَّضَ لِابْتِغَاءِ صُنُوفِ الخَيْرِ وَضُرُوبِهِ أَعْرَضَ عَن أَعَارِضِ الشُّعْرِ وَأَضْرَبَ عَن ضُرُوبِهِ... لا تُفَكِّرُ في الأثْلَمِ والأثْرَمِ، والأخْرَبِ، والأخْرَمِ، والأجْمِ، والأقْصَمِ، والأعْضَبِ، والأصْلَمِ، والمخبونِ، والمخبولِ، والمطويِ، والمشكولِ، والمقصورِ، والمخزولِ، والمقطوعِ، والمحدوفِ، والمعصوبِ،

والمكفوف، والمعقول، والمقطوف، والمشتت، والأشتر، والأحد، والأبتر، والمقبوض، والمضمّر، والموقوف، والمنقوص، والمكسوف، والموقوص: إن لباس التقوى خير لباس، وأزينة عند الله والناس فلا تك عن أضفائه معقلاً، (زمخشری، المقامات، ص ۳۸-۳۷)

ای ابوالقاسم هرگز با شناخت (سبب)ها و (وتد)ها به علل و اسباب هدایت دست نمی یابی مگر آنکه فرعون قدرتمند شکنجه گر به راههای آسمان دست یابد زیرا هدایت و رستگاری نه در سمت و سوی علم عروض که در شناخت و عمل به سنتها و واجبات است. چون تویی برای اصلاح اعمالش، بسیار نیازمند آنست که از تنظیم و متوازن ساختن وزن شعر و تفعله هایش دست بدارد. آنکس که درصدد طلب انواع و اقسام نیکیها باشد از عروضها و ضربها روی گرداند...به اثلث و ائرم و آخرب، و آخرم، و اجم، و أقصم، و أغضب، و أصلم، و مخبون، و مخبول، و مطوی، و مشکول، و مقصور، و مخزول، و مقطوع، و محدوف، و معصوب، و مکفوف، و معقول، و مقطوف، و مشتت، و أشتر و أحد، و أبتر، و مقبوض، و مضمّر، و موقوف، و منقوص، و مکسوف، و موقوص، نیندیش. قطعاً جامه تقوی بهترین لباس است و زیننده ترین جامه در نزد خدا و مردم، پس از بلندی و گشادی آن غافل مباش

در مقامه القوافی نیز از اصطلاحات قافیه به زیبایی استفاده کرده است. به عنوان مثال در بخشی از آن چنین نگاشته است:

اسْتَعْنَى بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الشَّافِيَةِ عَنِ التَّكَلِيمِ فِي حَدُودِ الْقَافِيَةِ...وَأَذْهَلُ عَنِ الْمُتَكَوِسِ مِنْهَا وَالْمُتَدَارِكِ بِتَكَوُوسِ ذُنُوبِكَ وَعَجَزِ الْمُتَدَارِكِ وَعَنِ الْفَصْلِ بَيْنَ الْخُرُوجِ وَالْوَصْلِ بِالْخُرُوجِ عَنِ الْأَجْدَاثِ يَوْمَ الْفَصْلِ. وَلَا تَحْسَبُ أَنَّ مَنْ لَا يَعْرِفُ نَفَادًا وَلَا تَوْجِيهًا، لَمْ يَكُنْ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا. وَمَنْ لَمْ يُرَاعِ رَدْفًا وَرَوِيًّا لَمْ يُصَبْ مِنَ الْكُوْثَرِ شَرْبًا رَوِيًّا. (زمخشری، المقامات، ص ۳۸)

باکلمات خدا(قرآن) از سخن گفتن درباره قافیه بی نیاز شو...و بوسیله توجه کردن به زیادی گناهانت و ناتوانیت بر جبران آنها، پرداختن به متکوس و متدارک را فراموش کن و با تفکر در چگونگی خروج از قبرها در روز حشر، تمییز میان خروج و وصل را واگذار. هرگز گمان مبر آنکس که نفاذ و توجیه را نشناسد در پیشگاه خدا ارجمند و آبرومند نیست و هرکه ردف و روی را رعایت نکند از چشمه کوثر سیراب نخواهد شد

مقامه دیوان نیز که مهمترین مقامه اوست به اصطلاحات دیوانی مزین است. بعنوان مثال در قسمتی از آن چنین آمده است:

يا أبا القاسم الله خلع من رقبتيك ريقه المطامع، واقحامك عقبه صعبه المطالع. إلا أن خلع هذه الرقبه من الرقبه هي العقبه وأصعب من العقبه عقبه لا يقتحمها إلا قوى ضابط. وإلا من أمدته الله بجاش رابط أبيت أن يئقني لاسمك في الجريده السوداء إثبات...فقدت خلى البالي خالي الذرع. لا فكر لك في زرع ولا زرع لا يعرف شقصك في الطساسيج. ولا خراجك في العريضة والتأريج ولا يمر ذكرك في القانون والأوارج ولا في الدستور والروژنامج. (زمخشری، المقامات، ص ۳۹)

ای ابوالقاسم خداوند کمند حرص و آزر را از گردنت باز کرد و از مشقت گردنه های دشوار جاه طلبی آسوده ساخت. هرچند باز کردن این کمند از گردن مشکل و سخت است ولی دشوار تر از این؛ گردنه ای است که جز انسان نیرومند

وباتدبیر و آنکس که خداوند او را باقلبی قوی یاری نماید به آن مبادرت نمی ورزد، زیرا از اینکه نامت در دفتر سپاهیان ثابت باقی بماند (و حقوق پرداخت شود) سرباز زدی... آنگاه آسوده خاطر و بی دغدغه نشستی، نه به کشاورزی می اندیشی و نه به دامداری (از اندیشیدن و نگران شدن در امور دنیا آسوده گشتی). سهم تو در دفتر بخششها واقساط و مالیات تو در دفتر مالیاتها و پیش نویس حسابها مشخص نمی شود، و هیچ گاه نام تو در دفاتر قانون مالیات، و میزان مالیات و دفتر فرامین ملوکانه و روزنامه ذکر نمی شود.

مقامه ایام العرب نیز که طولانی ترین مقامه اوست مشحون است از نامهای جنگجویان معروف عرب و اشاره به برخی جنگهای عرب در دوره جاهلی و علل آنها و ذکر زیانهای آنها بمنظور پند و اندرز. به عنوان مثال در ابتدای این مقامه چنین آمده است: یا أبا القاسم استنكف أن تشتري المتاع القليل الفاني بالملك الكبير والنعيم الخالد، فقد استنكف أن يدفع ابنة عتبة بحصين بن ضرار شتير بن خالد، وقد عرضت عليه ثلاث وقيل له اختر، فلم يرض إلا أن يعطي أعور بأعور، ولا تجعل الدنيا لك مونساً... (زمخشری، المقامات، ص ۳۹)

ای ابوالقاسم از اینکه کالای ناچیز فانی (دنیا) را در برابر ملک بزرگ و بهشت جاویدان خریداری کنی خودداری کن، که شتیر بن خالد از اینکه فرزندش عتبه را (به عنوان دیه) به حصین بن ضرار تحویل دهد امتناع ورزید حال آنکه سه راه به او پیشنهاد گردید و بدو گفته شد (یکی را) برگزین، اما او جز به آنکه کور در برابر کور قصاص گردد راضی نشد، و دنیا را همدم خویش مساز...

شرح مقامات زمخشری

زمخشری خود به شرح مقاماتش پرداخته و در آن علاوه بر شرح لغات به ذکر نکات بلاغی و نحوی توجه نموده و به آیات و احادیث و اشعار و امثال عربی نیز استشهاد نموده است. او در این شرح مقدمه ای دارد که در کتاب "المقامات" نیست.

این شرح نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ه در قاهره بنام "مقامات الزمخشری" به چاپ رسید و چاپ بعدی آن نیز در سال ۱۳۲۵ ه در ۲۳۸ صفحه در مطبعه التوفیق در قاهره انجام شده است (حوفی، ۱۹۶۶ م، ص ۵۹)

بعدها برخی محققان بر آن شدند تا به شرح و توضیح این کتاب بپردازند از جمله محمد سعید فاروقی طرابلسی مطالبی را به شرح زمخشری افزود. یوسف بقاعی نیز ضمن تکیه بر شرح وی و دیگر شارحان سعی کرده است بر شرحها بیفزاید. (نک؛ زمخشری شرح مقامات الزمخشری، تحقیق یوسف بقاعی، مقدمه ص ۹)

برخی از مقامه نویسان پس از وی نیز همچون او از رعایت چارچوب اصطلاحی مقامه یعنی داستان و راوی وقهرمان خودداری کرده اند، بطوری که در پایان قرن ششم هجری، ابن جوزی به تقلید از زمخشری پنجاه مقامه در موضوعات گوناگون ادبی می نگارد که همچون زمخشری در آنها به پند و اندرز می پردازد (ضیف، المقامه، بی تا، ص ۷۷)

علاوه بر او برخی از مقامه نویسان در مصر، شام، الجزایر، و... نیز از لحاظ اسلوب و موضوع از اصول مقامه نویسی تبعیت نکرده اند. (ضیف، تاریخ الادب العربی عصر الدول والامارات مصر، بی تا، (۴۴۶-۴۴۲)؛ عصر الدول والامارات الشام، بی تا، (۳۲۴-۳۱۸)؛ عصر الدول والامارات الجزیره العربیه، ۲۰۰۵ م، (۲۳۰)) و شاید مقامات زمخشری در این ساختار شکنی بی تأثیر نبوده باشد. به عنوان مثال در مصر در اواخر دوران فاطمی، رشید بن زبیر (د. ۵۶۲هـ) نویسنده، شاعر، فقیه، نحوی، لغوی، عروضی، منطقی و مورخی، که با علم طب و موسیقی و نجوم نیز آشنا بوده است (یاقوت، ۱۹۹۳ م، ۱/۴۰۰)، در مقامه ای مسجع بنام (المقامه الحصبیه) علوم و معارف خویش را به نمایش می گذارد، زیرا مقامه اش گفتگویی بین او و گروهی از دانشمندان است که ابتدا با عالم نحوی درباره علم نحو درباره مسائل نحو سخن می گوید و او را مبهوت می سازد و آنگاه با عالمی بلاغی و پس از آن با علمای علم عروض و فقه و اصول و تفسیر و تاویل و فلسفه و منطق و هندسه و حساب و نجوم و طب سخن می گوید و پس از به پایان بردن مقامه اش خود به شرح اصطلاحات بکار رفته در آن می پردازد (ضیف، عصر الدول والامارات مصر، بی تا، ص ۴۴۳)

این شیوه مقامه نویسی یعنی عدم پیروی از موضوعات و شیوه مقامات همدانی و حریری و نیز کاربرد اصطلاحات علوم گوناگون همراه با شرح خود مولف بر اصطلاحات مقامه، همان شیوه ای است که به نوعی در مقامات زمخشری ملاحظه شد، لذا این فرضیه که شاید او تحت تأثیر مقامات زمخشری بوده است قوت می گیرد.

اهمیت مقامات زمخشری

مقامات بطور کلی بدلیل در برداشتن دامنه وسیع لغات، گنجینه ای غنی در حوزه انشاء و بلاغت به حساب می آیند بطوری که برخی محققان نه تنها جنبه های تعلیمی آنها مهمتر از قصه پردازی دانسته اند بلکه تنها فایده آنها تمرین انشاء و ممارست بمنظور فراگیری لغات و ترکیبات و آشنایی با اسلوبهای گوناگون نظم و نثر ذکر کرده اند و برآنند که مقامات همت خواننده را پست می کند چون برپایه گدایی است. به عنوان مثال ابن طقطقی گوید: "مقامات کاربردی جز تمرین انشاء و آگاهی بر اسلوبهای نظم و نثر ندارد. و در بردارنده حکمتها و تجربه ها است اما چون بنایش بر گدایی است، همت خواننده را پست می سازد، بنابراین از سوئی سودمند است و از دیگر سو زیانبار." (ابن طقطقی، ۱۹۲۴ م، ص ۱۳). فاخوری نیز آموزش اصطلاحات علمی و ادبی همچون اصطلاحات فلسفه و منطق، بلاغت، عروض و قافیه، صرف و نحو، طب، نجوم و غیره را از اهداف مهم مقامه نویسی برشمرده است. (فاخوری، ۵۷/۴-۵۵) شوقی ضیف نیز به هدف تعلیمی مقامه توجه نموده است و معتقد است آموزش لغات و تعبیرات غریب زبانی و اسلوب بیان و اظهار توانایی علمی و ادبی نویسنده از جمله اهداف اصلی مقامه نویسی است (نک، ضیف، المقامه، بی تا، ص ۹؛ عصر الدول والامارات لیبیا، تونس، صقلیه، بی تا، ۳۱۴)

بنابراین مقامات زمحشری به سبب برخورداری از گنجینه لغوی غنی و اصطلاحات گوناگون علمی و ادبی ضمن در برداشتن جنبه تعلیمی، بدلیل تغییر در موضوعات مقامات و دور بودن از موضوعات گدایی و شیادی، فاقد جنبه های منفی مقامات حریری و همدانی است.

نتیجه گیری

با نگاهی به فن مقامه نویسی قبل و پس از زمخشری و نیز بررسی مقامات وی مشخص می گردد که :

۱- زمخشری به شیوه ای ابتکاری پنجاه مقامه خود را در قالب نثری مسجع و مصنوع درباره پند و اندرز و ارشاد نفس نگاشته است

۲- اسلوب مقامات زمخشری بجای داستان ، موعظه است ، لذا مقامات وی راوی و قهرمان ندارد و حوادثی در آن رخ نمی دهد و دور از طنز و هزل است

۳- موعظه های او بر خلاف موعظه های دیگر مقامات کاملاً جدی است و هدف آن پند و اندرز است نه شپادی

۴- وی در پنج مقامه انتهایی ، ضمن اینکه آگاهی خویش را بر جنگهای دوره جاهلی و اصطلاحات دیوانی و تبحرش را در علم نحو و عروض و قافیه نشان داده است، اصطلاحات این علوم را به خدمت گرفته است تا هدف خویش و موضوع اصلی مقامات یعنی دعوت خواننده به پرهیز کاری و تقوای الهی را در قالبی نومطرح سازد که بهتر در دل خواننده بنشیند و اثر گذارد.

۵- او نخستین مقامه نویسی است که خود به شرح مقاماتش پرداخته است.

۶- این شیوه او در ساختار شکنی فن مقامه نویسی در برخی مقامه نویسان پس از او تاثیر نهاده است .

۷- مقامات او به دلیل در برداشتن گنجینه لغوی غنی و اصطلاحات گوناگون علمی و ادبی و کاربرد فراوان فنون بلاغی و نیز بدلیل دور بودن از موضوعات گدایی و شپادی ، جایگاه و اهمیت ویژه ای در مقامه نویسی و نثر مصنوع دارد.

- ١- ابن طقطقى، الفخرى فى الآداب السلطانية، مصر، المطبعة الرحمانية، ١٩٢٤م.
- ٢- ابن خلكان، وفيات الاعيان، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٩٤م.
- ٣- حوفى، احمد محمد، الزمخشري، ط ١، قاهره، دارالفكر العربى، ١٩٦٦م.
- ٤- داوودى، محمد بن على بن احمد، طبقات المفسرين، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.
- ٥- ذكاوتى قراگزلو، على رضا، بديع الزمان همدانى ومقامات نويسى، انتشارات اطلاعات، ١٣٦٤ش.
- ٦- زمخشري، المقامات <http://www.al-mostafa.com>
- ٧- زمخشري، المقامات، شرح مقامات الزمخشري، تحقيق يوسف بقاعى، ط ٢، بيروت، دارالكتب اللبنانى.
- ٨- ضيف، شوقى، تاريخ الادب العربى، عصر الدول والامارات الجزيره العربيه-العراق-ايران، ط ٢، دارالمعارف، بى تا.
- ٩- ضيف، شوقى، تاريخ الادب العربى، عصر الدول والامارات الشام، ط ٣، دارالمعارف، بى تا.
- ١٠- ضيف، شوقى، تاريخ الادب العربى، عصر الدول والامارات مصر، ط ٤، دارالمعارف، بى تا.
- ١١- ضيف، شوقى، تاريخ الادب العربى، عصر الدول والامارات ليبيا-تونس -صقليه، دارالمعارف، بى تا.
- ١٢- ضيف، شوقى، المقامه، ط ٧، دارالمعارف، بى تا.
- ١٣- فاخورى، حنا، الموجز فى الادب العربى وتاريخه، ط ٢، بيروت، دارالجيل، ١٩٩١م.
- ١٤- قفطى، انباه الرواه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، دارالفكر لعربى، ١٩٨٦م.
- ١٥- كك، فيكتور، بديعيات الزمان، دارالمشرق، بيروت، ط ٢، ١٩٧١ م.
- ١٦- ياقوت حموى، معجم الادباء، تحقيق احسان عباس، ط ١، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٣م.